info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۴۹۲
شنبه /۱۹ اسفند/ ۱۴۰۲
۲۸ /شعبان / ۱۴۴۵
09 / March / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۵۸/۲۳
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

بیرون ز لبِ تو ساقیا نیست
در دور، کسی که کام دارد
نرگس همه شیوه‌های مستی
از چشمِ خوشت به وام دارد

خوانندگان

گذشتنگه است این سرای سپنجی
برو بازجو دولت جاودان را

پروین اعتصامی

اذان شرعی — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۰۰	۰۶:۲۳	۱۲:۱۶	۱۸:۰۹	۱۸:۲۷

برگه

اغلب شکست‌های زندگی برای افرادی رخ داده که موقع تسلیم شدن نمی‌دانستند چقدر به موفقیت نزدیک شده‌اند.

توماس ادیسون

مکث

مسئولیت ما از بلوچستان تا غزه

باید از همه مردم ایران در همه شرایط و زمان‌ها برای عبور از سختی‌ها و مشکلات حمایت شود، این قطعی است و حقی چه کسی است؟ هم دولت، هم ملت. یعنی این یک وظیفه یکطرفه هم نیست و همه ما نسبت به یکدیگر وظیفه داریم و متعهد به اجرای آن هستیم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز: چند روز پیش برای خرید به یکی از منطقه‌های جنوب تهران رفته بودم، یکی از کسبه‌ها تاکید داشت که هزینه برق را به نام خانمی کارت به کارت کنم! خب! طبیعتا پیداست که این خواسته دیگر برای اغلب ما ایرانی‌ها حداقل یک بار تکرار شده یا حداقل درباره آن شنیده‌ایم. موضوع هم کاملا آشکار است: «فرار از پرداخت مالیات». فروشنده که یقشاری حقیر را برای پرداخت با کارتخوان دید، کاملا رنگ‌پخته گفت: «من دوست ندارم مالیات بدهم برود غزه خرج شود!»

راستش این جمله وطرح آن از سوی یک ایرانی برایم خیلی غریب آمد! یا روح این سطح از تفسیر انحرافی در ذهن یک هموطن، واقعا طبیعی است. در حالی که ما نه حضور مستقیم در سرزمین‌های اشغالی داریم و نه اینکه مدل حمایتی ما در بیرون مرزها، مبتنی بر تامین مالی مستقیم است! ناخودآگاه به فروشنده گفتم: شما کارت بکش، من قول می‌دهم مالیات شما خرج رفع بحران سیل سیستان‌وبلوچستان شود. بماند که فروشنده آخر هم کارت نکشید و ما هم خرید نکردیم و دلمان هم این ترفند کلیشه‌ای بوده است! اما از آنجا که داغ‌ره ذهنی یک فروشنده، کاملا سرایت‌پذیر است، به نظر می‌رسد پرداختن به ۲ نکته در این مجال ضروری باشد.

نخست آنکه مگر نمی‌شود هم حقی مردم مقابله در سیلاب باشیم و هم نگران جان انسان‌ها و آسیب‌دیدگان؟ یعنی حمایت از ایران و برائی با حمایت از مقاومت در تعارض است؟ و دوم اینکه آیا «تامین هزینه جنگ از جیب مالیات‌دهندگان!» که معمولا توسط دولت‌های مثل ایالات متحده در جریان است، در ایران هم رایج است؟

درباره نوع رفتار و سیاست‌گذاری مناسبت به سیل و شرایط بحران و حتی شرایط غیر از بحران، منطق ما کاملا آشکار، واضح و قطعی است. «ما»ی ایرانی غیر از کارگزار و مردم موظف به حمایت از جامعه خود بدون هیچ کم و کاستی هستیم. این نگاه به یک جمله شعاری است که هر از گاهی تکرار شود و نه یک جمله زیباست برای تماشاگرها، بلکه یک باور ملی است. باید از همه مردم ایران در همه شرایط و زمان‌ها برای عبور از سختی‌ها و مشکلات حمایت شود. این قطعی است و حقی چه کسی است؟ هم دولت، هم ملت. یعنی این یک وظیفه یکطرفه هم نیست و همه ما نسبت به یکدیگر وظیفه داریم و متعهد به اجرای آن هستیم. کلی‌های کارگزاران را نیز بدون هیچ لکنتی فریاد می‌زنیم. چرا که در مساله مناطق عمومی و حتی همه احوت نیستیم! اما با قسمت دوم ماجرا یعنی «چرا لسان‌ها و آه مظلومان» چه کنیم؟

ریشه این دست ادبیات انحرافی به سال ۸۸ بازمی‌گردد؛ یکی از شعارهای معروف لیدرهای فتنه در آن زمان «نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران» بود. این شعار از همان زمان نیز نگاهی کلیشه‌ای داشت! یعنی عده‌ای، برای تامین منافع خود این دست عبارت‌ها را تکرار می‌کردند، آن زمان (و حتی قبروز) به دنبال کلی سیاسی بودند و حالا در مغازه‌ها ابزار دست برخی شده برای سود بیشتر! گزاره‌ای که از همان ابتدا نیز مشخص بود نه اسلامی است، نه عقلانی! این جریان همواره القامی کرده که نظام جمهوری اسلامی ایران مردم خود را رها کرده و به دنبال تحقق ایده‌های خود در دور دست هاست.

همین نوع تفکر، زمان سیل خوزستان نیز که گروه‌های مقاومت به کمک مردم ایران آمده بودند (یعنی حالی گروه مقاومت بود و حمایت بدیر مردم ایران) سعی در کارشکنی و منفعت‌طلبی سیاسی داشت و این عجیب است که گاهی منفعت‌طلبی‌ها اقتصادی شود. نکته این است که هر زمان و در هر مکانی این ادبیات به گوش شما خورد، بدانید که پای یک سوداگر در میان است. چرا که این جریان نشان داده دغدغه مردم را ندارد و صرفا با لسان‌ها «منفعت‌پرستانه» برخورد می‌کند.

این گروه فکری حرکتی را منکر می‌شود که می‌داند به نفع جامعه ایرانی است. چرا که حضور ایران در منطقه در وهله اول به منظور ایجاد امنیت در داخل کشور انجام می‌شود. امروز کمتر فردی که در صحت عقل به سر می‌برد می‌تواند منکر این موضوع شود که یک روزی راهبرد «جنگ را به داخل ایران می‌کشانیم» از سوی بسیاری از دشمنان ایران پیگیری می‌شد اما هیچگاه موفق نشد. با شاید بازخوانی این جمله از نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل خالی از لطف نباشد که گفته بود «ایران باید با یک «تهدید معتبر هسته‌ای» روبه‌رو شود!» این گزاره‌گویی، چندان هم قدیمی نیست و تنها ۲ هفته قبل از آغاز عملیات توفان الاقصی از سوی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی گفته شد. به نظر می‌رسد گاهی برخی باشان می‌رود تهدید واقعی است.

نکته دوم اینکه دولت آمریکا متهم به خرج مالیات برای جنگ است؛ اما این درباره ایران هم صادق است؟ باید اذعان کرد این رویکرد در ایران تحقق‌پذیر نیست. چراکه ما هیچ‌گاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی خواستار جنگ نبوده‌ایم و هیچ زمان هم به سمت ایجاد جنگ در منطقه‌ای نرفته‌ایم. ما هیچ زمان ارتش و تجهیزات خود را برای آغاز درگیری به کشوری دیگر منتقل نکرده‌ایم. ما هیچ وقت در امور دیگر کشورها دخالت و تلاش نکرده‌ایم یا استفاده از بمب و موشک، در آن کشور تغییر سیاسی ایجاد کنیم.

اگر هم از گروه مقاومت حمایت کرده‌ایم، آموزشی و لجستیکی بوده است. راهبرد ایران در منطقه ایجاد ثبات و نظم، همچنین عدم تهدید شدن مرزهای کشورمان در نقطه صفر مرزی بوده است. در واقع یعنی اگر رژیم صهیونیستی در حال تهدید ملت ما این تهدید را از مرزهای خود دور کرده‌ایم و در نقطه‌ای دیگر در حال بلبخ به آن هستیم. پیداست برای تامین امنیت باید هزینه کرد و نمی‌توان منتظر ماند تا دشمن در کشور درگیری به راه بیندازد و بعد ما به فکر تامین امنیت باشیم. حال اگر کلیسی چه از منظر سیاسی و چه از بابت اقتصادی می‌خواهد سود کند، باید بپذیرد این خواسته درگرو تامین امنیت است. اینکه شما در همه زمان‌ها (به ویژه ایام بحران) به کمک گروه‌های مختلف امدادی و مردمی، روانه منطقه بحران شوید، نوعی مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه است و همچنین تاکید بر وظیفه دولت اما این مسئولیت‌پذیری نباید صرفا در مرزها باقی بماند و شما باید فکر خود را از مرزهای جغرافیایی خارج کنید. گاهی این پذیرش مسئولیت، با حضور در میدان ثابت می‌شود (مانند آنچه در جریان سیل اتفاق می‌افتد و گروه‌های مختلف برای رفع آلام مردم آسیب‌دیده در منطقه حاضر می‌شوند) و گاهی نیز کافی است فریادت را به گوش‌های ناشنوای جنایتکارها برسانی! برای این مهم فقط کافی است مسئولیت اجتماعی خود را بپذیریم.

گزارش روز

تسویه‌حساب پروانه‌ای

اتخاذ راهبرد «ضربه متقابل» از سوی ایران در مواجهه با رویکردهای خصمانه دولت آمریکا علاوه بر اینکه نشان‌دهنده توان استراتژیک تهران برای پاسخگویی به اقدام‌هایی از این دست است، از دست بازایران بمعنظور اقدام‌های متقابل بامدف تامین منافع ملی کشور، بمویژه در سطح منطقه حکایت دارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، صبح چهارشنبه انتشار خبر توقیف محموله نفتی ۵۰ میلیون دلاری آمریکا از سوی ایران، آن‌هم با حکم دادگاه، محافل رسانه‌ای منطقه و جهان را تحت‌تأثیر قرار داد؛ اقدامی که می‌توان آن را به‌عنوان بخشی از توان راهبردی جمهوری اسلامی در انجام اقدام‌های متقابل بمعنظور حفاظت و تامین منافع ملی ایران به‌حساب آورد.

ماجرا از جایی آغاز شد که در ۷ اردیبهشت امسال فنتکش «Advantage Sweet» در خلیج عمان توسط نیروی دریایی ارتش توقیف شد. براساس شکایت جمعی از بیمداران بیوه‌ای کشور (EB) علیه دولت آمریکا، آن‌هم به‌دلیل تحریم‌های ظالمانه این کشور که منجر به جلوگیری از فروش داروهای موردنیاز برای بیماران بیوه‌ای توسط یک شرکت سوئدی شد، دادگاه حقوقی روابط بین‌الملل حکم به توقیف محموله نفتی آمریکایی در خلیج‌فارس داد؛ حکمی که اکنون اجرا شده و قرار است دستورهای بعدی درباره ناخلیه محموله نفتی نیز صادر شود.

اتخاذ راهبرد «ضربه متقابل» از سوی ایران در مواجهه با رویکردهای خصمانه دولت آمریکا علاوه بر اینکه نشان‌دهنده توان استراتژیک تهران برای پاسخگویی به اقدام‌هایی از این دست است، از دست بازایران بمعنظور اقدام‌های متقابل بامدف تامین منافع ملی کشور، بمویژه در سطح منطقه حکایت دارد؛ موضوعی که برای بررسی همه‌جانبه آن باید گزاره‌های مختلفی مورد واکاوی قرار گیرد که در ادامه به بررسی آنهایی‌بردازیم:

آمریکا و دهه‌ها توقیف اموال ایران

توقیف محموله نفتی ۵۰ میلیون دلاری آمریکا از سوی ایران براساس حکم دادگاه در شرایطی است که دولت آمریکا با پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به اقدام‌های گسترده‌ای در زمینه توقیف و مصادره دارایی‌های ایران، از پول تا املاک و مستغلات، انتهای تاریخی و آثار و تسلیحات نظامی خریداری شده زنده‌است؛ رویکردی که طی حدود ۴۵ سال گذشته به بهانه‌های مختلف، از سوی دادگاه‌های فاقد صلاحیت و براساس ادعاهای سیاسی و غیرمستند پیگیری شده‌است؛ این درحالی است که با وجود پیگیری‌های حقوقی بین‌المللی انجام‌شده برای آزادسازی دارایی‌های توقیف‌شده ایران در آمریکا، بخش قابل‌توجهی از این دارایی‌ها همچنان مسدود است و واشنگتن با وجود تعهدات خود در این زمینه، از آزادسازی آنها سرباز می‌زند.

اموال و دارایی‌های ایران که ازسوی دولت آمریکا توقیف شده را باید به ۲ دسته مالی تقسیم کرد؛ نخست، اموال متعلق به ایران که به دلایل مختلف در داخل آمریکا توقیف شده و دوم، دارایی‌های متعلق به ایران در سایر کشورها که به بهانه‌های مختلف ازجمله تحریم‌ها، بلوکه شده و واشنگتن به بهانه‌های مختلف در مسیر دسترسی ایران به آنها مانع‌تراشی می‌کند. براساس گزارش منتشرشده ازسوی آنادوهان، گزارشگر ویژه سازمان ملل که در سال ۲۰۲۲ ارائه شده‌است، در نتیجه اقدام‌های یکجانبه آمریکا در تحریم منابع ملی ایران، تاکنون چیزی حدود ۱۰۰ تا ۳۱۰ میلیارد دلار از اموال ایران ازسوی آمریکا مسدود شده است.

صندوق بین‌المللی پول نیز در گزارش سال ۲۰۲۲خود، اذعان کرد که اموال توقیف شده ایران در سراسر جهان تا آوریل ۲۰۲۲ به جیزی حدود ۱۱۵۴ میلیارد دلار رسیده است. دولت آمریکا پول پرداخت شده برخی قراردادهای نظامی قبل از انقلاب را که یک فقره آن قرارداد نظامی ۴۰۰ میلیون دلاری است، به ایران بازنگرداند. واشنگتن تجهیزات متعلق به ایران را به کشور دیگری فروخت و پول آن را در حسابی مسدود کرد. برخی حساب‌های بانکی ایران در ایالت‌های مختلف آمریکا پس‌از قطع روابط دیپلماتیک دوطرف مسدود شده است. دولت آمریکا اموال دیپلماتیک متعلق به ایران در این کشور، ازجمله ساختمان سفارت و ۱۰ ملک دیگر را توقیف و حتی برخی از آنها را اجاره داده‌است.

برخی برآوردها از ارزش ۵۰ میلیون دلاری این املاک حکایت دارد. در سال ۹۰۰۲ میلادی یک دادگاه آمریکایی در جنوب نیویورک اموال شرکت «آسا» را که متعلق به بانک ملی ایران است، توقیف کرد. اگرچه در شهریورماه ۲۰۱۴ بخشی از اموال تاریخی و فرهنگی ایران، شامل ۳ هزار و ۵۰۶ لوح در پنجمین مرحله استرداد در ۹ صندوق به کشور بازگشت، اما همچنان اموال تاریخی و آثار فرهنگی ایرانی زیادی در آمریکا وجود دارد که طرف مقابل از استرداد آنها سر باز می‌زند. برخی برآوردها از وجود ۳۰ هزار قطعه تاریخی —باستانی متعلق به ایران در آمریکا حکایت دارد که با وجود چندین مرحله استرداد، دولت آمریکا همچنان از بازگرداندن آنها به ایران خودداری می‌کند.

پیروزی‌های ایران در دادگاه‌های بین‌المللی

باوجود اینکه دولت آمریکا همچنان از آزادسازی اموال متعلق به ایران خودداری می‌کند، اما پیگیری‌های حقوقی انجام‌شده طی سال‌های اخیر سبب صدور احکام قابل‌توجهی به نفع ایران شده‌است. یکی از این موارد، رأیی بود که در فروردین‌ماه امسال ازسوی دیوان بین‌المللی دادگستری مستقر در لاهه درباره شکایت ایران علیه صدور بیش از یک‌پنجم میلیارد دلار از دارایی‌های بانک مرکزی این کشور در آمریکا به نفع ایران صادر و به‌عنوان «پیروزی حقوقی تهران بر واشنگتن» ارزیابی شد. این درحالی است که اخیرا محمد دهقان، معاون حقوقی رئیس‌جمهور از صدور رأی به نفع ایران در دیوان بین‌المللی خبر داده بود.

پیش از این اما در آبان‌ماه نیز دادگاه بین‌المللی لاهه شرکت هلندی FORAFINA را به‌دلیل قووش مواد اولیه برای ساخت تسلیحات شیمیایی به عراق در زمان جنگ تحمیلی به پرداخت غرامت به جابران شیمیایی ایرانی محکوم کرد. صدور احکام در دادگاه‌های بین‌المللی اما طی دهه‌های گذشته مسبوق به سابقه بوده است. به‌عنوان مثال در فوردین‌ماه ۱۳۹۳، دادگاه فدرال در شیکاگوی آمریکا طی حکمی به شاکیان اسرائیلی پرونده بمب‌گذاری در یک مرکز خرید دربیت المقدس، اجازه نداد ایرانی بازمانی ایران شامل الواح خشخشی در موزه‌های شیکاگو را به‌عنوان غرامت تحویل بگیرند.

ضرب‌شست متقابل واکنش همتراز

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های ماجرای توقیف محموله نفتی ۵۰میلیون دلاری آمریکا ازسوی جمهوری اسلامی، اتخاذ رویکرد «واکنش گسترده‌ای را بعهوزه در مرزهای ایران و اقفنلنان انجام داده‌اند و دستیابی ایران به این بهپاد. اطلاعات ذی‌قیمتی را درباره فعالیت‌های جاسوسی آمریکا در منطقه در اختیار ایران قرار داد. این اقدام ایران، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی به‌همراه داشت و مدتی بعد، بارک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در جریان یک نشست‌خبری، از ایران خواست که این بهپاد را به آمریکا بازگردانند.

بود که در بهار ۱۴۰۲ و در شرایطی که محموله نفتی متعلق به ایران را حمل می‌کرد، ازسوی آمریکایی‌ها ربوده و نفت آن مصادره شده بود.

یکی دیگر از نمونه‌های چنین رویکردی، توقیف نفتکش انگلیسی در تنگه‌هرمز ازسوی ایران بود. ماجرا از جایی آغاز شد که در ۱۳ تیرماه ۱۳۹۸، نیروی دریایی انگلیس بدون هیچ‌گونه دلیل و استناد قانونی، نفتکش «گریس ۱» را که حامل نفت خام ایران بود، توقیف کرد. این اقدام اما ازسوی جمهوری اسلامی بی‌پاسخ نماند و در ۲۸ تیرماه، نفتکش انگلیسی «استنا ایمپرو» توقیف و به لنگرگاه بندرعباس هدایت شد.

بازدارندگی بدون بستن تنگه‌هرمز

اهمیت ژئوپلیتیک خلیج‌فارس و تنگه‌هرمز سبب شده نیروهای دریایی ایران، چه در ارتش و چه در سپاه، با تقویت توان راهبردی خود، سطح بازدارندگی ایران در این منطقه را به‌صورت قابل‌توجهی افزایش دهند. اکنون قدرتمند دریایی ایران در تنگه‌هرمز به سطحی رسیده که کارشناسان، جمهوری اسلامی را قدرت مسلط بر تنگه‌هرمز می‌دانند که حتی بدون نیاز به مسدود کردن این تنگه، از توان راهبری مطلوب برای برقراری توازن راهبردی در این منطقه برخوردار است. توقیف محموله نفتی آمریکا شاهدی بر مدعای قدرت بازدارنده ایران در تنگه‌هرمز به‌حساب می‌آید؛ این درحالی است که این تنگه به‌عنوان گلوگاه صادرات انرژی جهان، به عرصه‌ای برای مقابله با تهدیدهای آینده در عرصه نبرد دریایی تبدیل شده است.

در گذشته ناظران تحولات منطقه تأکید می‌کردند که بستن تنگه‌هرمز تنها گزینه تهران برای واکنش به اقدام‌های خصمانه دولت‌های غربی خواهد بود. اکنون اما ایران نشان داد بدون بستن تنگه‌هرمز هم، نستبازی برای حفاظت از امنیت و منافع ملی خود دارد.

توقیف دارایی‌های آمریکا

طی سال‌های اخیر اقدام‌های واکنشی جمهوری اسلامی برای توقیف اموال آمریکا به محموله‌های نفتی منحصر نشده‌است. در ۱۳ آذرماه ۱۳۹۰ بود که مقام‌های ایرانی اعلام کردند بهپاد آمریکایی آر کیو ۱۷۰ را به‌عنوان یک پرنده جاسوسی، پس از جلوگیر ۲۲۵ کیلومتری به خاک ایران در اختیار گرفته‌اند. این اقدام در شرایطی بود که بررسی‌ها نشان می‌داد این دست بهپادهای آمریکایی عملیات جاسوسی گسترده‌ای را به‌بهوزه در مرزهای ایران و اقفنلنان انجام داده‌اند و دستیابی ایران به این بهپاد، اطلاعات ذی‌قیمتی را درباره فعالیت‌های جاسوسی آمریکا در منطقه در اختیار ایران قرار داد. این اقدام ایران، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی به‌همراه داشت و مدتی بعد، بارک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در جریان یک نشست‌خبری، از ایران خواست که این بهپاد را به آمریکا بازگردانند.

اشاره

چرا مشارکت ۴۱ درصدی هم پیروزی است؟

اگر شرایط حاکم بر کشور در سال جاری را وقع بینانه‌تر نگریسته و به تهاجم وسیع دشمن و برنامه‌ریزی جهت کاهش مشارکت تا ۲۰ درصد توجه شود، مشارکت ۴۱ درصدی ملت ایران یک پیروزی بزرگ و شکست قطعی خط تحریم تلقی می‌شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان: انتخابات یازدهم اسفند شگفتنه‌های زیادی داشت که یکی از آن‌ها تحلیل میزان مشارکت آن لبت. درحالی که عده‌ای مشارکت حدودا ۴۱ درصدی را یک پیروزی و موفقیت برای نظام اسلامی می‌خوانند و پیام تبریک می‌فرستند، عده‌ای آن را به دلیل پایین‌تر بودن از میزان مشارکت در انتخابات‌های گذشته یک شکست تحلیل کرده و به آسیب‌شناسی می‌پردازند. البته طبیعی است که مخالفان نظام اسلامی، معدلول و جریان‌های تحریم‌کننده انتخابات این مشارکت را شکستی برای نظام سیلسی خوانده و آن را نشانه قدرت و وزن اجتماعی خویش می‌دانند.

این دوگانگی تحلیلی ریشه در چند خطای اساسی دارد که عبارت‌اند از:

الف) عدم توجه به وضعیت حاکم بر انتخابات:

چنانچه شرایط حاکم بر ظرف زمانی انتخابات ۱۴۰۲ عادی و معمولی تصور شود، بدون تردید این میزان از مشارکت نوعی ضعف و آسیب تلقی می‌شود. هرچند مشارکت بالای ۴۰ درصد از میانگین نرخ مشارکت در کشورهای مدعی مهد دمکراسی بیشتر بوده و چه بسا انتظار افزایش مشارکت در سال‌های آینده عینی و عقلی نداشته باشد. چراکه نه تنها نسبت مستقیمی بین میزان مشارکت با عمر نظام سیلسی وجود نداشته بلکه این نسبت در کشورهای جهان معکوس بوده است. چنانچه مشارکت ۲۶ درصدی در کشورهای اروپایی را نشانه ثبات سیلسی تلقی کرده و هیچ کس مدعی کاهش مشروعیت سیلسی آن‌ها نمی‌شود.

اگر شرایط حاکم بر کشور در سال جاری را وقع بینانه‌تر نگریسته و به تهاجم وسیع دشمن و برنامه‌ریزی جهت کاهش مشارکت تا ۲۰ درصد توجه شود، مشارکت ۴۱ درصدی ملت ایران یک پیروزی بزرگ و شکست قطعی خط تحریم تلقی می‌شود. چنانچه پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس با همین استدلال تحلیل می‌شود. برکسی پوشیده نیست که ایران درهشت سال دفاع مقدس مورد هجمه دشمنانی قرار داشت که با هدف تجزیه ایران وارد خاک کشورمان شده و شهرهای زیادی در جنوب و غرب را به اشغال خود درآورده بودند. ناگاه گذاشتن دشمنی که دنیا بدانست سر آن بود، پیروزی بسیار مهمی محسوب می‌شود.

تنها تفاوت موقعیت دفاعی مردم ایران در این سال‌ها با دوران دفاع مقدس در این است که در دهه شصت آن قدر ضعیف بودیم که دشمن گمان می‌کرد می‌تواند به سادگی به اهداف شومش برسد، و اما امروزه آن قدر قوی شده ایم که تنها راه موفقیت خویش را در جنگ ذهنی و شناختی جست‌وجومی کند تا شاید با تحریف بتواند افکار عمومی را از بی برفتن به شکست خویش در میدان منحرف نماید.

در این نکته حتی آرای سفید که درصد قابل توجهی هم داشته است، رأی به نظام اسلامی و کمک به مشارکت ضمن داشتن اعتراض باید تحلیل کرد.

ب) کمیت گرایی صرف و بی‌توجهی به کیفیت‌رأی:

اگرچه بر اساس نمودگرایی هر شهروند، یک رأی بیشتر ندارد، اما آرایی که در فضای تحریم به صندوق‌ها ریخته می‌شود بسیار متفاوت از آرایی است که تحت تاثیر فضای روانی حاکم، دوقطبی‌های ساختگی و غلبه احساسات و هیجانات زوده گذر به صندوق‌ها ریز می‌شود؛ لذا یکی از ویژگی‌های آرای این دوره بنا به تعبیر مقام معظم رهبری نوعی جهاد بود. بنابراین مشارکت ۴۱ درصدی، نه تنها بیانگر کاهش مشروعیت و سرمایه اجتماعی نظام نیست، بلکه‌می‌توان گفت آرای خاصله‌وفادار ان سخت نظام اسلامی افزایش نیز یافته است.

ج) خطای آماری در سنجش مشارکت با سلف‌صددرصدی:

برخی از سیاسیون برای تضعیف نظام اسلامی سقف مشارکت را کاهش کارآمدی نظام اسلامی قلمداد کنند در حالی که کاهش مشارکت لزاماً ریشه در ناکارآمدی نداشته و نمی‌تول انتظار داشت با افزایش رفاه نسبی در کشور مشارکت نیز افزایش یابد. چنانچه در گذشته نیز مشارکت بالای برای بیانگر رفاه در دهه ۶۰ نبوده و کسانی پای صندوق‌های رأی حاضر می‌شدند که از رفاه کمتری برخوردار بودند. ضمن آنکه این نسبت در کشورهای غربی مدعی توسعه‌یافتگی و رفاه بیشتر مصداق عینی ندارد.

کاهش ارزش رأی مردم در این انتخابات، سقف مشارکت را کاهش دهد. درست در حالی که مدعی می‌شوند که ۵۹ درصد از مردم در انتخابات شرکت نکرده‌اند. این در حالی است که بالاترین نرم مشارکت در انتخابات‌های مجلس گذشته از ۷۵ درصد بیشتر نبوده است. لذا منطق و انصاف ایجاب می‌کند که میزان مشارکت را با آن رقم سنجیده شود. ضمن آنکه در برخی از این انتخابات افزایش مشارکت به قیمت کاهش کارآمدی و انحراف روند قانون گذاری از خدمت به مردم، متوجه نوکری اجانب گردیده و حتی برای رسیدن به اهداف خویش دست به تحصن و استعفای دسته‌جمعی زنند.

د) اشتباه محاسباتی در تعمیم کاهش رأی به کاهش کارآمدی:

عده‌ای با افراطی سیلسی تلاش می‌کنند تا کاهش مشارکت را کاهش کارآمدی نظام اسلامی قلمداد کنند در حالی که کاهش مشارکت لزاماً ریشه در ناکارآمدی نداشته و نمی‌تول انتظار داشت با افزایش رفاه نسبی در کشور مشارکت نیز افزایش یابد. چنانچه در گذشته نیز مشارکت بالای برای بیانگر رفاه در دهه ۶۰ نبوده و کسانی پای صندوق‌های رأی حاضر می‌شدند که از رفاه کمتری برخوردار بودند. ضمن آنکه این نسبت در کشورهای غربی مدعی توسعه‌یافتگی و رفاه بیشتر مصداق عینی ندارد.

۱۸+ های کم‌تحرک و چاق

یک سوم مرگ‌های جهانی به دلیل **بیماری‌های قلبی عروقی** است و تنها **فشارخون بالا ۱۳/۵ درصد** در مرگ‌های غیرواگیر نقش دارد. این در حالی است که **نیمی از جمعیت بزرگسال ایران دارای شرایط پیش‌فشار خون بالای هستند. اما تنها ۶۲ درصد افراد دارای فشار خون بالا بیماری خود را می‌شناسند. بخش قابل توجهی از جمعیت بالای ۱۸ سال کشور** با مشکلات متعددی که باعث تشدید بیماری‌های قلبی - عروقی می‌شود، مواجه هستند و با کنترل این عوامل خطر می‌توان از بیش از نیمی از **بیماری‌های غیرواگیر** پیشگیری کرد

یادداشت

صهیونیسم در بحران

نتانیاهو تصور می‌کرد در مدت زمانی کوتاه با دستیابی به اهداف سه‌گانه اعلام شده توسط خود، یعنی اشغال نوار غزه‌نابودی حماس و آزادی اسرای صهیونیست، این نبرد رلبه پایان خواهد برد و موقعیت خود را نیز در تل‌آویو تثبیت خواهد کرد، اما اکنون شاهد شکست صهیونیست‌ها در دستیابی به این اهداف و در نتیجه تشدید شکاف و بحران داخلی در اراضی اشغالی هستیم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، این روزها بیش از هر زمان دیگری منابع رسانه‌ای در غرب و رژیم صهیونیستی از آسیب‌پذیری و حتی احتمال سقوط کابینه نتانیاهو خبر می‌دهند.

موضوع انتخابات زودهنگام در رژیم صهیونیستی مسأله جدیدی نیست و چندین‌بار در طول زمان جنگ مطرح شده است. برای انجام این کار باید ۶۱ نفر به این طرح در کنست رأی بدهند که با توجه به چینش کنونی احزاب اسرائیل این فرض ظاهرا دور از دسترس است زیرا ۴۴ نفر از احزاب فعلی، نانتانیاهو همراهی می‌کنند.

با این حال فشارهای زیادی علیه کابینه ائتلافی این رژیم وجود دارد و نظرسنجی‌ها بیانگر وخامت اوضاع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی صهیونیست‌هاست. خروجی این روند به سود نتانیاهو نخواهد بود.

به عبارت بهتر، احتمال برگزاری انتخابات زودهنگام کنست در رژیم اسرائیل بعید نیست. این اتفاق پیروزی بزرگی برای مقاومت و فلسطین به حساب می‌آید زیرا با انتخابات زودهنگام، کابینه نتانیاهو سرنگون شده و احتمالا کابینه جدید به واسطه بحرانی که در جنگ غزه مواجه شده، ناچار به پذیرش وقعیات و روی آوردن به پایان جنگ خواهد بود.

صهیونیست‌ها جز این گزینه دیگری نخواهند داشت زیرا حقایق متنی و فرامتنی جاری و آتی در جنگ غزه چایی برای انتخاب گزینه‌های دیگر برای نتانیاهو نمی‌گذارد.

از ابتدای جنگ چندین‌بار به بهانه‌های مختلف، طرح فروپاشی کابینه حتی ازسوی برخی شرکای ائتلافی وی نیز به مثابه یک تهدید علیه او مطرح شد. به‌عنوان مثال بن گویر، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی تهدید کرده بود اگر توقفی برای پایان جنگ صورت پذیرد، از ائتلاف خارج می‌شود.

در این میان بحران‌های همزمان دیگری در ارتش، نهادهای اطلاعاتی و کابینه رژیم صهیونیستی وجود دارد که بر فرامتن جنگ غزه تاثیرگذاشته و صهیونیست‌ها را بیش از پیش متاصل و ناتوان ساخته است.

اخیرا نیز با توجه به پایان مدت تعویق طرح سربازی خردبی‌ها، کابینه باید تصمیمی در این رابطه بگیرد که آیا خردبی‌ها با مطالبت دارند یا باید به سربازی بروند.

این تصمیم توسط وزیر جنگ رژیم اشغالگر قدس، یعنی گالانت در حال بررسی است که باعث شده برخی احزاب شرکت‌کننده در کابینه ائتلافی تهدید به خروج از ائتلاف کنند.

درست در چنین شرایطی نتانیاهو به پیاخ‌خواهی‌های سیاسی خود ادامه می‌دهد و قدرت ضمن شکست خود در این آوردگاه را نیادرد همان گونه که مسجل است، معادلات داخلی در اراضی اشغالی نیز همزمان با شکست این رژیم در جنگ غزه، مخدوش و برهم ریخته شده و چایی برای تنفس نتانیاهو و کابینه ائتلافی وی باقی نگذاشته است.

نتانیاهو تصور می‌کرد در مدت زمانی کوتاه با دستیابی به اهداف سه‌گانه اعلام شده توسط خود، یعنی اشغال نوار غزه‌نابودی حماس و آزادی اسرای صهیونیست، این نبرد رلبه پایان خواهد برد و موقعیت خود را نیز در تل‌آویو تثبیت خواهد کرد، اما اکنون شاهد شکست صهیونیست‌ها در دستیابی به این اهداف و در نتیجه تشدید شکاف و بحران داخلی در اراضی اشغالی هستیم.

این بحران (شکاف‌های داخلی در رژیم صهیونیستی) را باید در آینده‌پژوهی تحولات این رژیم اشغالگر به صورتی جدی منظر قرار داد. در چنین فضایی شاهد تصاعد بحران در اراضی اشغالی و بسط دامنه منازعات داخلی میان گروه‌های سیلسی در تل‌آویو خواهیم‌بود.

محمدعلی صنوبری، کارشناس مسائل غرب آسیا